

# جشنواره فرهنگی و هنری ۳۱۳

## ویژه میان پرده های نمایشی کوتاه و سرود

### نمایش عاقبت مرد عابد

صحنه

راوی: مردم ، خسته نباشید ، خوش آمدید به نمایش خانه ما ... خوش آمدید  
برایتان قصه ای واقعی نقل می کنم قصه ای سراسر عبرت قصه امشب ما قصه  
عاقبت مرد عابده...

مرد عابد: در حال عبادت

راوی: مردی که سالها عبادت می کرد و اهل مطالعه و مربی با اخلاق و عابد و  
زاهد مردم بود.... در کلاسهای درس از دین و قرآن و تاریخ اسلام می گفت...  
مرد عابد در حالیکه تعدادی دورش جمع شدند می گوید: بله عزیزان خدا آخر و  
عاقبت ما را ختم به خیر کند... قصه دیشب ما به آنجا رسید که معاویه برای ایجاد  
تفرقه بین لشکریان علی (ع) نامه ای نوشت خطاب به طلحه و زبیر، در آن نامه  
چه نوشته بود؟!!

دانش آموز اول: نوشته بود خطاب به زبیر و طلحه که شما امیر المومنین من و مردم هستید.

مرد عابد: درسته نوشته بود که شما امیر المومنین من و مردم هستید، به چه منظوری نوشته بود؟

دانش آموز دوم: برای اینکه بین لشکریان و فرماندهان حضرت علی (ع) اختلاف و تفرقه بیاندازد

مرد عابد: احسنت ... و وقتی که نامه بدست آن دو نفر رسید طمع کردند و باورشان شد که امیر مومنان آنها هستند و قدرت طلبی و ریاست ورشان داشت ... و آن شد ... که شد

دانش آموز سوم: که نباید می شد.

مرد عابد: بله عزیزان عاقبت بین لشکریان مولا علی (ع) تفرقه افتاد و جاه طلبی و ریاست طلبی برخی خواص باعث شد که معاویه پیروز شده و خود را امیر المومنین معرفی کند

دانش آموز اول: یعنی نه تنها که طلحه و زبیر امیر مومنان نشدند بلکه کمک کردند تا دشمن اصلی لشکریان اسلام ادعای خلافت بکند و خود را امیر مومنان بداند و معرفی کند

دانش آموز دوم: مثل قضیه شوروی سابق که آمریکایی ها بین آقای گورباچف و یلتسین از یلتسین حمایت کردند و وقتی بین رهبران شوروی اختلاف افتاد! شوروی و لشکر قدرتمندش از هم پاشید.

مرد عابد: بله آفرین چه مثال خوبی زدی ، وقتی شوروی شکست خورد حتی یلتسین نیز از قدرت برکنار و کشور شوروی به چند جمهوری کوچک تقسیم شد و ابر قدرت شوروی ور افتاد و ... قدرت امپراطوری امریکا چند برابر شد و شد آقای جهان...

دانش آموز سوم: یعنی تفرقه بیانداز و حکومت کن

مرد عابد: بله ... نمونه بارز آن فتنه ۸۸ بود که آمریکایی ها با افرادی که ریاست طلب و قدرت طلب بودند ساخت و پاخت کردند و همچون طلحه و زبیر آنها را فریب دادند. ( صدای شعار نه غزه - نه لبنان جانم فدای ایران - جمهوری ایرانی - جمهوری ایرانی - ثقل بهانه است - اصل نظام نشانه است )

پرده دوم

راوی: بله عزیزان مرد عابد بین مردم و جوانان جایگاه خاصی داشت و همچنان مشغول عبادت بود و عبادت و تبلیغ دین ... بالاخره کاری که نباید می شد، شد و مرد عابد در دام شیطان افتاد و چه افتادنی

شیطان: ای مرد چقدر عبادت می کنی ... این همه که (بک یا الله) گفتی لبیک شنیدی این همه خدا را خواندی به تو چه داد؟ .... هان چه داد؟

مرد عابد: به فکر فرو رفته ... و سری تکان می دهد ...

شیطان: امثال تو به مسئولیت رسیدند به قدرت رسیدند و زندگی ها دارند... اما تو در یک خانه ۳۰ متری و یک لقمه بخو و نمیر ... آخر به کجا می رسی؟ ... زن و بچه تو آدم نیستند؟ زندگی نمی خواهند؟

مرد عابد: آری .... اما بدان (حسبی ... نعم الوکیل نعم المولا و نعم النصیر) خدا مرا کافی است

شیطان: خدا تو را کافی است . بیچاره زن و بچه تو یک مسافرت نرفته اند ... یک کنار دریا... در حالیکه هم قطاران تو بهترین ماشین ها و بهترین خانه ها و هر روز جزیره کیش و ... می دانی چقدر مکه و کربلا ... رفته اند

مرد عابد: چه کنم خدا به من نمی دهد . خدا خوب می داند اگر به من ثروت بدهد از او دور می شوم

شیطان: این حرفهاست که تو را عقب انداخته و از زندگی لذت نمی بری . آیا خدا گفته از آفریده هایش لذت نبری؟

مرد عابد: نه خدا حلال را حلال نموده و حرام را حرام

شیطان: خوب باید تو هم تلاش کنی به حلال خدا بررسی

مرد عابد در فکر فرو می رود

پرده سوم

راوی: بله عزیزان مرد عابد کم کم تغییر کرد کار بجایی رسید که مال و ثروت زیادی بدست آورد و خانه ای مجلل خرید و بالای پشت بام یک درب قابلمه نصب کرد و به خوش گذرانی پرداخت ... البته این اتفاقات آهسته آهسته رخ داد و یک دفعه ای صورت نگرفت در یک شب که خوابیده بود ، خواب دید صدایی به او نهیب می زند.

صدا: ای مرد عابد ای نماز شب خوان زاهد... چه شد که از زیارت خدا جدا شدی؟ چه شد که زیارت نامه خدا را نمی خوانی؟ برخیز و نماز بگذار ... برخیز و خدایت را بخوان

مرد عابد در حالیکه خواب می بیند می گوید: من این همه زحمت کشیدم و عبادت خدا کردم (بک یا ...) گفتم ولی لیکی نشنیدم

صدا: آن (بک یا ...) تو لییک ماست آن (بک یا ...) تو لییک ماست

مرد عابد: واضح بگو یعنی چه که (بک یا ...) تو لییک ماست

صدا: یعنی تو راه مستقیم و صراط مستقیم از خدا خواستی و خدا دعایت را  
مستجاب کرد و تو را در راه عبودیت و بندگی قرار داد

مرد عابد: یعنی نماز و عبادت و جهاد من لیک الهی بود... یعنی خدا مرا در چنین  
راهی قرار داده و هدایت کرده بود؟!

صدا: آری برخیز و عبادت خدا از سر گیر ... خانه ات را به نور الهی مزین کن  
برخیز

راوی: بله عزیزان ( بک یا ا...) تو همان لیک ماست همه باید خدا را بخوانیم  
نماز زیارت خداست و اذکار نماز زیارت نامه خداست ، نصب تجهیزات ماهواره  
و برنامه های ماهواره ای ما را از خدا دور کرده و خانواده را فاسد می کند . آیا  
تاکنون فکر کردید که چرا دشمن برنامه های ماهواره را تحریم نمی کند ؟ چرا  
هزینه می کند تا ما را سر گرم کند... اما غذا و داروی ما را تحریم می کند.  
بیایید و عاقلانه تصمیم بگیریم بیایید ذکر خدا بگوییم و به آرامش برسیم.

الا به ذکر... تطمئن القلوب

صدای اذان فرا گیر می شود ( با صدای زنده بهتر است یک نوجوان بخواند  
... اکبر... اکبر